

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ اگست ۲۰۲۲

تبدیل دروغ به باور دروغگو!

پنجشنبه- ۲۰ اسد ۱۴۰۱ - کابل: احتمالاً شما هم از طریق رسانه ها در جریان مصاحبه "غنی احمدزی" با "داوود جنبش" قرار گرفته باشید، هر چند آن مصاحبه دارای نکات قابل بحث بسیاریست، مگر در این یادداشت، توجه شما را به نکاتی از آن جلب می نمایم:

۱- به مثابه آغاز سخن می باید به "داوود جنبش" بابت پیدا کردن و مصاحبه با "غنی احمدزی" تبریک گفت. تا جایی که به افغانستان تعلق می گیرد، "داوود جنبش" ثابت ساخته که برای نیش قیر سیاستمداران و آنها را به بحث کشاندن ید طولائی دارد، همین توانائی بود که نامبرده حدود سه دهه قبل به سراغ "بیرک کارمل" رفت و وی را از محاق فراموشی بیرون نموده، حرفهائی را از دهانش بیرون کشید که در تمام عمر نگفته بود.

۲- و اما به ارتباط "غنی احمدزی"، وقتی انسان حرفهائش را می خواند، متوجه می شود که آن بیچاره از جمله آدمهائست که در دام دروغها و لافهای خودش اسیر شده، آنها را به مثابه "حقیقت مطلق" پذیرفته است. از جمله این که به اساس قانون اساسی "رئیس جمهور" بوده و است و تا زمانی که از طریق انتخابات قدرت را به کسی انتقال نداده، قانوناً رئیس جمهور باقی خواهد ماند.

این احمق نمی خواهد بپذیرد که هم رژیمش یک بازی مسخره از جانب امریکائی ها بود و هم مقامی که وی را بدان منصوب نموده بودند، او نمی خواهد بپذیرد که نه جمهوری وجود داشت و نه هم رئیس جمهوری، هر چه بود به مانند بازی "شاه گکانی" و "دزدبازی" یک بازی بود. با ختم بازی دیگر نه شاهی می تواند وجود داشته باشد نه دزدی. اصرار "غنی احمدزی" به این که هنوز هم رئیس جمهور است بدان ماند که فردی بعد از ختم بازی "شاه گکانی" هنوز هم خود را شاه بداند.

۳- هر چند "غنی احمدزی" در دروغگوئی و لافزنی چنان شهره است که بسختی می توان حرف راستی را از وی شنید، مگر در این مصاحبه به نکاتی اشاره نمود که می توان به صحت آنها باور نمود، از جمله:

*- این که قرارداد دوحه یک فاجعه بود؛

*- این که خلیزاد یک انسان خاین و یک نوکر وفادار امپریالیسم امریکاست و هر آنچه انجام داده، کلاً و مطلقاً در خدمت تأمین منافع امپریالیسم امریکا بوده است؛

*- این که حامد کرزی انسان کم سواد و مغرضی بوده است؛

* - این که "عبدالله عبدالله" مانع تحکیم دولت و حاکمیت وی شده، در تمام آنچه اتفاق افتاده حد اقل ۵۰ در صد مسؤولیت دارد؛

* - این که دخالت های قدرت های خارجی باعث سلب اتوریته و اعتبار وی شده، مسؤولیت بخشی از نارسائی ها و شکست ها بر دوش آنها می باشد؛

* - این که امپریالیسم امریکا و شرکاء پشت وی را خالی نموده، در نابودی نظام مستعمراتی سهم بسزائی داشتند؛

* - این که فساد و بی باوری به حاکمیت سرناپای حاکمیت را گرفته، از که تا مه کارمندان دولتی اعم از ملکی و نظامی به فکر پر کردن جیب خود بود و حفظ نظام برای شان ارزشی نداشت؛
* - و

۴ - بدون آن که با تصویری که از حاکمیت خود ارائه می دهد، مخالفتی داشته باشم، باید با صراحت بگویم که آنچه گفته شد بخشهایی از یک واقعیت تلخ، منجرکننده و ننگین بود نه تمام آنها. این واقعیت تلخ، ننگین و منجر کننده زمانی کامل می شد که "غنی احمدزی" جرأت، شجاعت و صداقت به خرج می داد و بر نکات آتی نیز انگشت می گذاشت:

* - به مثابه یک انسان شناس آشنا و یا دخیل در امور سیاسی، ماهیت حاکمیت های مستعمراتی را به بحث می گرفت و برپایه تحلیل بنیادی حاکمیت مستعمراتی، حکم می نمود که آنچه در افغانستان اتفاق افتاد، خاص افغانستان نبوده و به این و آن تعلق نداشت بلکه مقتضای طبیعت یک نظام مستعمراتی چنان است؛

* - به جای کتمان نقش خودش و حواریونش، جرأت و شجاعت و صداقت به خرج می داد و می گفت که خودش و حواریونش در تمام این فساد، سقوط و بدبختی چه نقشی داشته اند؛

* - این که نقش خودش و باندش در سقوط پیهم ولسوالی ها به بهانه "عقب نشینی تکتیکی" و بعد تر ولایات بدون کمترین مقاومتی چه بود؛ به جای اتهام زدم به والیان ولایات و قومندانهای قطعات و قول اردو ها، نقش خود و باندش را در سپردن آنها به طالب بازگو نماید.

۵- هموطنان گرامی!

"غنی احمدزی" همان طوری که در طی ۲۰ سال اخیر در عمل نشان داد که به مثابه یک مهره اجرائی استعمار خود را موظف به انجام دستورهای آنها می داند و با ارتجاع مذهبی نوع طالبی پیوند ناگسستنی اعتقادی، تباری و خونی دارد، امروز هم وقتی توسط قبرکن های سیاسی از زباله دان تاریخ بیرون کشیده می شود و باز هم برایش فرصت لجن پراکنی داده می شود، همان خزعبلاتی را نشخوار می نماید که دیروز آن را می جوید. یعنی در مصاحبه نه درب امپریالیسم را بر روی خود می بندد و نه هم با ارتجاع هار مذهبی تقابل نشان می دهد، هنوز هم امیدوار است تا به بازی گرفته شود، از همین رو به جای ریش فرانسوی، ریش نزدیک به خواست طالب را می گذارد.

او در مقطع کنونی با دو هدف وارد میدان شده است: هدف حداکثری مجدداً داخل شدن در امر سیاست افغانستان و اجازه شرکت مجدد در "بازی تاج و تخت"؛ دومین هدف خوردن و بالاکشیدن پولهایی که به سرقت برده و تهدید مقامات امریکائی و بقیه شرکاء به افشاگری با ذکر این جمله: "۹۰ درصد از کمک های امریکا به نیروهای امنیتی افغانستان دوباره به جیب شرکت های امریکائی رفته است". یعنی آنها به "سیگار" بگویند که دست از سر کلش بردارند و بیشتر او را انگشتک نکنند ورنه دهان خواهد کشود.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!